گفت‌وگوی رسانه KHAMENEI.IR با فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران

جز حضرت امام(ره) و رهبر انقلاب کسی در ابتدای انقلاب حامی ارتش نبود

شاید کسی تصور نمی‌کرد ارتشی که در دوران پهلوی اول بنیان گذاشته شد و در دوران پهلوی دوم به نماد اصلی طاغوت و ژاندارم منافع غرب در خاورمیانه تبدیل شده بود، بعد از سرنگونی طاغوت بلافاصله با انقلابِ برآمده از دل مردم، اعلام وفاداری کرده و در ادامه به بازوی قدرتمندی برای حفظ و حراست از منافع ملت ایران و انقلاب اسلامی تبدیل شود. ارتشی که حالا بنابر فرمایش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جبهه‌های مقاومت هم ایفای نقش می‌کند.

رسانه KHAMENEI.IR به مناسبت ۲۹ فروردین و روز ارتش در گفت‌وگویی با امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران به بررسی عملکرد ارتش در سال‌های بعد از انقلاب و تفاوت‌های بنیادین آن با ارتش پیش از انقلاب پرداخته است.

چه عاملی باعث شد ارتشی که در دوران انقلاب و تا چند روز پیش از آن، فرمانده‌اش فرد دیگری بوده و حالا هم بعد از انقلاب متواری شده و از کشور خارج شده؛ در حوادث اول انقلاب در کردستان و بعد هم در جریان جنگ، آن‌چنان عملکردی را از خود نشان دهد و به شجره طیبه تبدیل شود؟

به نظرم سه عامل است که تقریباً این سه عامل به یک اندازه قابل توجه است. عامل اول، بحث سربازی است. آن‌که سربازی را انتخاب می‌کند؛ یک ذات فداکاری، ایثارگری، از خودگذشتگی، غیرت به ناموس و آب و خاک در وجودش است که سربازی را انتخاب می‌کند. پیش از انقلاب سربازان ارتش بالاخره کم‌وبیش این ذات فداکاری را داشتند که سربازی در قالب ارتش را انتخاب کرده بودند. بعد به مرور زمان متوجه شده بودند آن نقطه و هدف اصلی ارتش وقت؛ با آن مطالبات فکری، ذهنی و قلبی‌شان که مورد انتظار بود، متفاوت است و این همان موضوعی بود که باعث عدم وفاداری ارتش به طاغوت و ارتباط با جریان‌های انقلابی بود.

مثلاً بعضی از همین بچه‌های نیروی هوائی و پدافند با شخص رهبر معظّم انقلاب ارتباط داشتند و در جلسات درس ایشان در مشهد شرکت می‌کردند، یا مثلاً برخی از ارتشی‌ها با حضرت امام رحمه‌الله در ارتباط بودند و خدمت حضرت امام رفت و آمد داشتند. طوری که مثلاً یکی از خلبانان هوانیروز که با بالگردش به عراق رفته بود، از آن‌جا خدمت حضرت امام می‌رود. عشق به حضرت امام و این اشتیاق که این رهبرِ دور از وطن یک روزی بازخواهند گشت، در دلِ همه این جوانان ارتشی مثل همه ملت شعله‌ور بود. پس از بازگشت حضرت امام به ایران و درهم پیچیده شدن طومار رژیم منحوس پهلوی، آمریکایی‌ها هم گورشان را گم کردند، و ارتش گویی که گم‌گشته‌ای را یافته باشد؛ کسی که به‌خاطر آن آمده بودند و این لباس را پوشیده بودند، تماماً در وجود امام متجلی می‌شود و گم‌گشته خود را پیدا می‌کنند. این است که به سرعت به جریان انقلاب و جنگ وصل شدند. این یک اصل بود.

اصل دوم انضباطی است که در سازمان ارتش وجود دارد. این انضباط که رهبر معظّم انقلاب هم خیلی روی آن تأکید دارند، مسائلی است که ما آن‌ها را در دانشگاه‌هایمان تدریس می‌کنیم. یک مضمونی از فرمایش رهبر معظّم انقلاب است: «این انضباط یک روح وفاداری‌ای در این‌ها ایجاد می‌کند که آن کارهای بزرگ را انجام می‌دهند.» انضباطی که به مرور زمان و با برنامه‌های پرورشی ـ تربیتی به وجود آمده بود.

یک موضوع دیگر که کمتر به آن پرداخته شده است «ایران» بود. در گذشته روی ایران و تعصب و وفاداری به آن خیلی کار می‌کردند و شعارش را می‌دادند. ارتشی‌ها هم می‌دیدند مرتب روی ایران کار می‌کنند اما خودشان ظاهراً این ایران را و حیثیت و شخصیت این ایران را به بیگانه می‌فروشند؛ این مسئله خیلی آزارشان می‌داد. بعد یک مرتبه دیدند حضرت امام و انقلاب آمد و به درستی از ایران دفاع می‌کنند.

تعداد قابل توجهی بخصوص از خلبان‌هایمان از کشور رفته بودند. جنگ که شد برگشتند. به یکی از خلبان‌ها گفته بودند برای چه بلند شدی آمدی وسط این معرکه؟ گفته بود وقتی پسرم بزرگ شد، از او پرسیدند پدر تو در حفظ ایران چه نقشی داشت، او باید یک حرفی داشته باشد که بزند. بعد از چند ماه هم شهید شد و یکی از شهدای بزرگ ارتش است. این‌ها به‌خاطر ایران است.

حالا من دقیقاً و عیناً جمله را به خاطرم ندارم اما نقل به مضمون حضرت امام رحمه‌الله فرموده بودند: بجنگید، برای هر چیزی که برای شما ارزش دارد بجنگید، برای ایران بجنگید، برای کشور، برای ناموس، برای دین، برای هر چه که می‌خواهید برای همان بجنگید. بعضی‌هایشان آن‌چنان هم با آموزه‌های دینی آشنا نبودند، ولی می‌دیدند که این انقلاب و رهبر انقلاب پای دفاع از ایران ایستادند. بعضی از چیزهایی مثل شخصیت و افتخار ملی که سال‌ها بود از دست داده بودند را در سایه این الگوی جدید به دست آوردند و حفظ کردند برای همین هم پای این انقلاب ایستادند و بسیاریشان هم به شهادت رسیدند، اسیر شدند، زخمی شدند.

چندین سال پیش رهبر معظّم انقلاب فرمودند: «کسی تصور نکند این ارتش دنباله ارتش طاغوت است، ارتش جمهوری اسلامی، در حقیقت یک پدیده جدید است». ۱۳۷۶/۱/۲۷

شخص رهبر انقلاب یک بار برای بنده تعریف کردند که عده‌ای این نظر را نزد حضرت امام مطرح کرده بودند که ارتش ادغام شود. امام رحمه‌الله از من پرسیدند نظر شما چه است. عرض کردم اگر تصمیمتان را گرفتید من حرفی ندارم اما اگر تصمیم نگرفتید من نظرم را بگویم؛ امام فرمودند نه، هنوز تصمیم نگرفته‌ام. رهبر معظّم انقلاب بیان می‌کنند: من با این چیزی که این‌ها می‌گویند مخالفم و دلایل خود را توضیح می‌دهند. بعد امام فرمودند: این درست است.

رهبر انقلاب در همین کتاب «خون دلی که لعل شد» تعریف می‌کنند که قبل از انقلاب من در زندان بودم، افسرها و درجه‌دارها می‌آمدند با من درد دل می‌کردند، حرف‌هایشان را می‌گفتند. خیلی نکته جالبی است. این ارتباط از همان موقع قرار بود پایه‌ریزی بشود. شبیه آن ماجرائی که از حضرت امام پرسیده بودند شما با چه کسانی می‌خواهی شاه را بیرون کنی؟! فرموده بودند با همین بچه‌هایی که در گهواره هستند. رهبر معظّم انقلاب هم قرار بوده یک روزی یکی از بازوان قدرتمند مسلحش همین ارتشی باشد که از داخل زندان با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

به یاد دارم در دوران جنگ مثلاً ما در کردستان که بودیم، دور هم جمع می‌شدیم و صحبت می‌کردیم. آن موقع رهبر انقلاب در سمت رئیس‌جمهور بودند. دور هم با همدیگر حرف که می‌زدیم، ارتشی‌ها همه آقا را پشتیبان و حامی خودشان می‌دانستند. خب آدم می‌فهمد دیگر! مثلاً می‌فهمد این امام جمعه هوای ارتشی‌ها را خیلی دارد، همیشه از ما تعریف می‌کند. این‌ها نکاتی است که به این راحتی کسی درک‌شان نمی‌کند که یک ارتش را با چه چیزهایی می‌شود نگه داشت.

این ارتباط به‌قدری تنگاتنگ بوده که در قضیه کودتای نقاب در پایگاه هوائی شهید نوژه همدان، افسران ارتش خودشان شبانه خدمت رهبر انقلاب می‌آیند و اطلاع می‌دهند.

الان هم قوی‌ترین سند مظلومیت و حقانیت ارتش در این رابطه، شخص رهبر معظّم انقلاب هستند. هر کسی راجع به این ماجرا به یک نحوی قضاوت می‌کند.

حالا ببینید، قضاوت رهبر معظّم انقلاب چیست: «ماجرای کودتای نقاب را ترتیب دادند و برنامه‌ریزی کردند از طرف همان کسانی که ۱۰ سال برای کشور و ملت خود جنگیده‌اید. ـ سال ۶۸ ـ کمتر ارتشی در دنیا این‌گونه است. خیلی از ارتش‌های دنیا در متن بحران قرار نگرفته‌اند و یا لااقل شرایط دشواری نداشته‌اند و امتحانی این چنین به مردمشان ندادند. شما با وجود شرایط دشوار، ۱۰ سال جنگیدید. جنگ تحمیلی ۸ سال طول کشید اما شما با دشمن ۱۰ سال جنگیدید. زیرا قبل از شروع جنگ تحمیلی، ارتش در جبهه‌ها بود.

از هفته اول پیروزی انقلاب و از ماجرای پادگان مهاباد، ارتش فعالیت داشت. من از نزدیک شاهد حضور نیرومند ارتش بوده‌ام و پادگان‌ها و خطوط و قرارگاه‌هایتان را دیده‌ام. انسان‌های وارسته‌ای وجود داشتند که ۸ سال خانه آن‌ها سنگر و ویلای‌شان چادر بیابان بود. خلبان‌های شجاع، کادرهای پروازی و غیرپروازی نیروی هوایی، عناصر نیروی دریایی در شرایط سخت دریا، جبهه‌های زمینی، بخش‌های پشتیبانی مثل دستگاه‌های صنایع و آموزشگاه‌ها و امثال آن‌ها، حقاً و انصافاً امتحان خوبی دادند. من این نکته را با قوت و قدرت می‌گویم و به‌خاطر ملاحظه حال و دل کسی، آن را مطرح نمی‌کنم». ۱۳۶۸/۳/۱۸

این مطالب هر کدام می‌توانند مبنای یک مبحثی در دوران دفاع مقدس باشند. فرمایش عنوان شده از رهبر انقلاب، کاملِ کامل است. حالا بسیاری این را نمی‌دانند که در خیلی از مواقع رهبر معظّم انقلاب مشاوره‌هایی که در مورد ارتش نزد حضرت امام خمینی رحمه‌الله مطرح و مواضعی که اتخاذ می‌کردند، تا چه حد در استحکام تدبیر و سیاست حضرت امام تأثیر داشته است.

شخص رهبر انقلاب یک بار برای بنده تعریف کردند که عده‌ای این نظر را نزد حضرت امام مطرح کرده بودند که ارتش ادغام شود. امام رحمه‌الله از من پرسیدند نظر شما چیست.

چندین سال پیش رهبر معظّم انقلاب فرمودند: «کسی تصور نکند این ارتش دنباله ارتش طاغوت است، ارتش جمهوری اسلامی، در حقیقت یک پدیده جدید است». ۱۳۷۶/۱/۲۷

شخص رهبر انقلاب یک بار برای بنده تعریف کردند که عده‌ای این نظر را نزد حضرت امام مطرح کرده بودند که ارتش ادغام شود. امام رحمه‌الله از من پرسیدند نظر شما چه است. عرض کردم اگر تصمیمتان را گرفتید من حرفی ندارم اما اگر تصمیم نگرفتید من نظرم را بگویم؛ امام فرمودند نه، هنوز تصمیم نگرفته‌ام. رهبر معظّم انقلاب بیان می‌کنند: من با این چیزی که این‌ها می‌گویند مخالفم و دلایل خود را توضیح می‌دهند. بعد امام فرمودند: این درست است.

مهم‌ترین نقطه عطف بیانیه گام دوم آمادگی برای ظهور حضرت بقیه‌الله‌الاعظم روحی‌فداه است. باید دید در همین راستا وظیفه ارتش چیست؟ این است که ارتشی بشود که هم منتظر باشد، هم مستحق ظهور باشد. این خیلی اتفاق بزرگی است. یعنی ارتشی که آرمانش نابودی رژیم صهیونیستی و فروکشیدن استکبار از اریکه قدرت و پایین آوردنش و به‌هم ریختن نظام سلطه است، این ارتش با آن ارتش دوران طاغوت در این ۴۳ سال خیلی تفاوت کرده است. چند سال نوری حرکت است. ما به هیچ وجه نمی‌توانیم منکر برکت وجودی حضرت امام رحمه‌الله و کار بزرگی که ایشان کردند، بشویم؛ اما این حالتی که در ارتش ایجاد شده است، همه‌اش نتیجه رهبریِ قدم به قدم رهبر معظّم انقلاب است.

یکی از بحث‌های مرتبط با ارتش در دوران پیروزی انقلاب تا دفاع مقدس، خالی شدن ارتش از مستشاران نظامی آمریکایی است. با خروج آن‌ها، امورات نظامی ارتش به‌خصوص در حوزه ابزار و تجهیزات و فناوری به چه شکل تدبیر می‌شد؟

آن‌ها اجازه نمی‌دانند که کسی از بدنه اصلی ارتش در این حوزه‌ها ورود کند؛ این را بارها شنیدید که مثلاً یک قطعه را بسته‌بندی می‌کردند پس می‌دادند، قطعه بسته‌بندی شده را می‌آوردند نصب می‌کردند. درباره این موضوع هم در خود ارتش دو دسته کلی بودند: یک دسته این را باور کرده بودند که این کار از عهده ما خارج است و آمریکایی‌ها دارند کار انجام می‌دهند. حالا این‌که آیا آن‌ها دارند انجام می‌دهند یا خیر؛ باز هم دو گروه با نظرات متفاوت بودند: یک تعدادی می‌گفتند این‌ها دارند نوکری ما را می‌کنند، خب، پس بگذاریم بکنند. یک تعدادی هم می‌گفتند این‌ها خودشان فروخته‌اند و خودشان بالای سر ما هستند و همه مقدّرات را این‌ها تصمیم می‌گیرند. منطق‌شان هم این بود که ما مثلاً دوره ندیده‌ایم و درس این‌ها را نخوانده‌ایم.

یک تعدادی هم بودند که معتقد بودند اگر اجازه دهند، ما خودمان می‌توانیم این کارها را به سامان برسانیم، و چه کم از خارجی‌ها داریم! چه فرقی بین ما و این‌هاست. ما هم دو تا را خراب می‌کنیم، یکی‌اش را درست می‌کنیم و بالاخره یاد می‌گیریم دیگر.

بعد از انقلاب هم مجموعه این‌ها بود، تا آن‌که نامه معروف شهید فکوری به رهبر معظّم انقلاب می‌رسد و عنوان شده بود بعد از شروع جنگ، بعد از فلان مدت همه هواپیماهایمان زمینگیر خواهد شد. حضرت آقا هم نامه را خدمت حضرت امام رحمه‌الله می‌برند. آن تدبیری که از حضرت امام می‌گیرند، آن را منتقل می‌کنند به ارتش و بعد جهادهای خودکفایی را در ارتش راه می‌اندازند. این باعث شد تعداد کسانی که قائل به توانایی و توانمندی داخلی و بدنه ارتش بودند؛ زیاد شود.

اولین جایی که به فرمان رهبر معظّم انقلاب جهاد خودکفایی تشکیل شد، نیروی هوائی ارتش بود. اقداماتی را شروع کردند، باور کردند که می‌توانند این کار را انجام دهند و برخی قطعات را تولید و تامین کردند. البته بعضی‌هایش واقعاً گلوگاهی و سخت بود، تا سال‌ها بعد هم نتوانستند ولی مرتب رفتند و آوردند تا بالاخره شد.

خاطرم هست ما در توپخانه چیزی داشتیم به‌نام قفل آتش. یک چیز پیچیده‌ای بود آن موقع و همه‌اش می‌گفتند قفل آتش خراب شده، دیگر نمی‌دانیم چه کار کنیم؛ مدام می‌رفتیم از آن توپ باز می‌کردیم می‌آوردیم می‌بستیم به یک توپ دیگر. و مدام جابه‌جا می‌کردیم. یک روز یک کسی به من گفت که اصفهان صنعتگرهای خیلی خوبی دارد، می‌توانند این قطعه را بسازند. یکی از قفل آتش‌ها را برداشتم آوردم اصفهان. افسری بود به‌نام نیک‌روش، خدا رحمتش کند در پاوه شهید شد، افسر حزب‌اللهی و خوبی بود. این دست ما را گرفت برد پیش آن‌ها، چند جا رفتیم. یکی گفت مثلاً من این بخش را می‌توانم بسازم، برای بخش دیگر باید بروید فلان‌جا و به همین شکل. خلاصه قفل آتش را ساختند. بردیم، یک اشکالاتی داشت، دوباره آوردیم آن اشکالات را برطرف کردیم، بالاخره ساختند.

در همان جنگ قفل آتش ساخته و گلوگاه قفل آتش برطرف شد. حالا نیروی زمینی کمتر از این گلوگاه‌ها دارد ولی پدافند، نیروی هوایی، نیروی دریایی خیلی مشکل داشتند، همه را اداره می‌کردند و همه‌شان راه افتاد. مجموعه این اقدامات بود که توانستند این جنگ را ادامه دهند و به مرور زمان هم از دو قطعه و پنج قطعه و ده قطعه و صد قطعه، شد هزاران قطعه.

الان مثلاً ده‌ها هزار قطعه در ارتش است که همه را دارند می‌سازند که باز با تأیید و حمایت و ایستادگی شخص رهبر انقلاب است. یعنی شاید اگر آن نگاه رهبر معظّم انقلاب نبود، مثلاً شهید ستاری به دلیل کارهایی که در این حوزه‌ها می‌کرد برکنارش می‌کردند، می‌رفت و بعد از او هم هیچ کس جرأت نمی‌کرد وارد این مسائل شود. اما با قوت قلب و راهنمایی‌های رهبر انقلاب ادامه یافت تا الان که جنگنده می‌سازیم، بالاخره رسیدیم به نقطه‌ای که بتوانیم جنگنده کوثر بسازیم. این منطق بود که ارتش را برای ماموریت‌ها سرپا نگه داشت.

ارتش جمهوری اسلامی ایران بعد از چهار دهه از انقلاب چه تفاوتی با ارتش دوران طاغوت دارد؟

چندین سال پیش رهبر معظّم انقلاب فرمودند: «کسی تصور نکند این ارتش دنباله ارتش طاغوت است، ارتش جمهوری اسلامی، درحقیقت یک پدیده جدید است». ۱۳۷۶/۱/۲۷

مهم‌ترین نقطه عطف بیانیه گام دوم آمادگی برای ظهور حضرت بقیه‌الله‌الاعظم روحی‌فداه است. باید دید در همین راستا وظیفه ارتش چیست؟ این است که ارتشی بشود که هم منتظر باشد، هم مستحق ظهور باشد.

این خیلی اتفاق بزرگی است. یعنی ارتشی که آرمانش نابودی رژیم صهیونیستی و فروکشیدن استکبار از اریکه قدرت و پایین آوردنش و به‌هم ریختن نظام سلطه است، این ارتش با آن ارتش دوران طاغوت، در این ۴۳ سال خیلی تفاوت کرده است. چند سال نوری حرکت است. ما به هیچ وجه نمی‌توانیم منکر برکت وجودی حضرت امام رحمه‌الله و کار بزرگی که ایشان کردند، بشویم؛ اما این حالتی که در ارتش ایجاد شده است، همه‌اش نتیجه رهبریِ قدم به قدم رهبر معظّم انقلاب است.

یک بار شخص رهبر انقلاب فرموده بودند که من یک نیزه‌ای را پرت می‌کنم جلوتر تا شما بروید. بعد که دارید نزدیک می‌شوید دوباره پرتش می‌کنم جلوتر. یعنی هیچ وقت به وضعیت حال قانع نیستند، همان جمله‌ای که به نیروهای سپاه پاسداران هم فرمودند، راضی هستند اما قانع نیستند. من به دوستان‌مان می‌گویم این‌که حضرت آقا فرمودند: ارتش را به نِصاب شایسته برسانید، نِصاب شایسته یعنی همان منتظر حقیقی و مستحق ظهور بودن؛ واقعیِ واقعی.

دستگاه‌های جاسوسی دشمن برای فتح ارتش. آن‌ها می‌خواستند یا موفق شوند که این هدف اولشان بود و با این توفیق با دست ارتشی که عناصر نفوذی‌شان در آن بود، به انقلاب خاتمه دهند. یا اگر موفق نشدند، بین مردم و ارتش و بین انقلاب و ارتش، فاصله بیندازند. توطئه خطرناکی بود اما این توطئه هم به‌وسیله ارتشی‌ها خنثی شد. بعد هم عناصر دنبال‌کننده این قضیه یعنی نظامیان و ارتشی‌های متدین آن پایگاه، بیشترین نقش را در خنثی کردن آن کودتا داشتند. آن کسی که در این صحنه از ارتش دفاع کرد، خود ارتش بود. خود ارتش نگذاشت که این چنگال دشمن به او وصل شود و توطئه خود را در ارتش پیاده کند». ۱۳۷۴/۱/۳۰

این اسنادی است که عمده نگاه رهبر معظّم انقلاب به بدنه ارتش است. حالا یک جایی هم راجع به پیشرفت‌های ارتش و تحول ارتش و انقلاب در ارتش حضرت آقا می‌فرمایند کسی نیاید بگوید ما کردیم، خود ارتشی‌ها این کارها را کردند.

از نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس بفرمایید، اینکه این نهاد بزرگ که حالا انقلاب را هم تجربه کرده است، در دوران دفاع مقدس چگونه ظاهر می‌شود.

هیچ کسی به خوبیِ رهبر معظّم انقلاب راجع به نقش ارتش در دفاع مقدس صحبت نکرده است. در ۱۸ خردادماه سال ۶۸، یعنی دو ـ سه روز بعد از رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان فرمودند: «انصافاً ارتش ما، ارتش بسیار والایی است، امتیازهای زیادی در شما وجود دارد که در دیگران نیست. شما ارتشی هستید که ۱۰ سال برای کشور و ملت خود جنگیده‌اید. ـ سال ۶۸ ـ کمتر ارتشی در دنیا این‌گونه است. خیلی از ارتش‌های دنیا در متن بحران قرار نگرفته‌اند و یا لااقل شرایط دشواری نداشته‌اند و امتحانی این چنین به مردمشان ندادند. شما با وجود شرایط دشوار، ۱۰ سال جنگیدید. جنگ تحمیلی ۸ سال طول کشید اما شما با دشمن ۱۰ سال جنگیدید. زیرا قبل از شروع جنگ تحمیلی، ارتش در جبهه‌ها بود.